

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

کاندیدای اکادمیسین سیستانی

۲ نومبر مصادف است با ۱۶۷ مین سالروز قیام کابل برضد تجاوز انگلیس

خشم، نفرت، طغیان و شورش برضد حاکمیت بیگانگان، چه عرب، چه عجم، چه ترک، چه مغول، چه روس، چه انگلیس، چه امریکائی و چه اروپائی، جوهر قیام های ملی افغانها را میسازد.

حاکمیت های بیگانگان، ذاتاً همراه است با اختناق و حق کشی و زورگوئی و بهره کشی و ستم ملی برای مقاصد شوم و ناروای متجاوزان ستمگر. دامن زدن به اختلافات نهفته قبیله‌ای، نژادی یا قومی، مذهبی و محلی برای بهره برداری از آن به نفع حاکمیت خود و دادن هدایا، تحفه ها، رشوه ها، نفوذ در میان محافل خصوصی و حرم سراها، مانورهای سیاسی، نظامی، نوازش ها و تنبیهات، و همه گونه خدعه ها و حقه بازیهای دیگر، به منظور در اسارت کشیدن جامعه محکوم، از اساسات سیاست استعماری و استحمار بیگانگان است.

بیگانگان برای تحکیم پایه های حاکمیت خود علاوه بر توسل به زور و خشونت، با تطمیع و نزدیک ساختن عده ای افراد سودجو و خود خواه و ضعیف النفس به خود و تهدید کردن و به زندان کشیدن و شکنجه دادن و هتک حرمت اشخاص بارسوخ و دارای وجهت ملی، و خوار کردن آنان در انظار دیگران، سعی میورزند تا با ایجاد فضای ترس و بی اعتمادی میان افراد جامعه محکوم، از وحدت و یکپارچگی مردم بکاهند و مانع هرگونه واکنش و عکس العمل برضد سلطه خود گردند.

اعمال فشار بر توده های ملیونی، و پشت پازدن به ارزش های اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی و معتقدات مذهبی، بی اعتنائی به رسوم و آداب و سنن ملی یا محلی، که جامعه آن را پذیرفته و با آن خو گرفته است، از جانب عمال حاکمیت بیگانه، به مرور زمان کاسه صبر مردم را که دارای سنن و آداب و رسوم و اخلاق و معتقدات مشترک و نفع و نقصان یکسان هستند، لبریز ساخته و سبب شورش های خشن یا قیام های عمومی بر ضد استبداد و حاکمیت بیگانگان در سراسر تاریخ کشور ما شده است.

از همین روال است قیام مردم کابل در ۲ نومبر سال ۱۸۴۱ میلادی برضد تجاوز انگلیسها طی سالهای ۱۸۳۹ - ۱۸۴۲ میلادی. این قیام که به سلسله قیامها و شورشهای ضد استبدادی و ضد سلطه اجنبی در کشور انجامید، یکی از بزرگترین قیامهای مردم ما برضد یکی از قدرتمندترین دول استعماری جهان، یعنی انگلیس است، که به همت مردم شجاع و از خود گذر افغان و رهبری سالم و عاری از جاه طلبی ها و قدرت خواهی ها و مداخلات خارجی، به درایت و شهامت شخصیت های ملی-تاریخی کشور به راه افتاد و بالاخره به موفقیت و پیروزی انجامید.

از جمله ده ها و صدها تن مبارزان ملی از جان گذشته در قیام کابل، نقش ۸ تن از آنان در منابع تاریخی کشور بیشتر برجسته است. این ۸ تن دلیر مرد تاریخ مبارزات کشور عبارت اند از: **غازی عبدالله خان اچکزانی، میر مسجیدی خان کوهستانی، نواب محمدزمان خان، نایب امین الله خان لوگری، وزیر اکبر خان، محمدشاه خان بابکرخیل، سردار سلطان احمدخان و سردار شمس الدین خان.**

با مطالعه کارنامه های این ۸ تن مبارز افغان، جوانان ما بایستی تاریخ کشور خود را یک بار دیگر با دقت بیشتر مطالعه کنند، تا بهتر آگاهی حاصل نمایند که وطن عزیز ما در هر مرحله از تاریخ چه بزرگ مردانی در دامان پرفیض خویش پرورش داده که تاریخ و وطن و مردم ما به نام و کارنامه هایشان بخود می بالد و افتخار می کند.

واقعاً شهادت و پایمردی و صداقت و یکدلی این دلیر مردان تاریخ ما، درس بزرگ و وطن دوستی، مردم خواهی، اتحاد ملی، دفاع از شرف و نوامیس ملی برای نسلهای حاضر و آینده کشور ما خواهد بود و بسیار بجاست تا از این قهرمانان ملی و مبارزین از جان گذشته با تکریم و شکوه بیشتر یادآوری شود و یادنامه دلیرمردیهای هریکی را در رساله یی یا کتابی

تصویر کرد و به دست نشر سپرد. حتی میتوان پیشنهاد نمود تا به پاس کارنامه‌ها و پیکارهای جانبازانه غازی مردان سه جنگ افغان و انگلیس و همچنان جنگ کبیر میهنی ضد شوروی، محافل یاد بود، سیمناها، کنفرانسها و سمپوزیم‌هایی در سطح ملی و بین‌المللی دایر گردد.

بزرگداشت از مبارزین ملی و جانبازان راه آزادی وطن، حرمت‌گذاری به شهامت و فداکاری مردان دلیر وطن و پدران و نیاکان غیور افغان و رهبران ملی شرافتمند و مسلمان کشور یک عمل بسیار بجا و معقول است و به هیچوجه اهمیت آن کمتر از یاد بود شاعری گمنام و احیاناً مداح و غرق در دنیای خود و بیگانه از مردم نیست. از همین دیدگاه ضرورت دوباره نویسی تاریخ کشور در پرتو اندوخته‌ها و تحقیقات نوین برای هر نسلی از وظایف اولی به شمار میرود.

کارنامه‌های هریک از رهبران قیام ۱۸۴۱ را از آنجهت جداجدا بررسی میکنم تا سهم و جایگاه هریک‌شان در مبارزه برضد بیگانگان برای ما و نسل‌های بعدی روشن و مشخص شده باشد. شرح و بسط و حجم بحث مربوط به هریک از این رهبران افغان، مربوط و منوط به میزان معلومات منابع و مدارکی است که در دسترس نویسنده قرار گرفته اند. نگارنده امیدوار است که با توجه و دقت در شرح حال و سرگذشت هریک از رهبران ملی و سهم در قیام کابل، درک و معرفت ما، با شخصیت‌های تاریخی کشور دقیق‌تر و کامل‌تر گردد، تا بتوانیم در برابر یلایه سرایان ضد افتخارات ملی و تاریخی کشور موضع‌گیری استوارتر و دقیق‌تری داشته باشیم.

پایان